

جابر عرض کرد: خدا را شاهد می‌گیرم که در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد مادرت فاطمه علیها السلام رفتم تا ولادت حسین علیه السلام را به وی تبریک بگویم، دیدم لوحی سبز در دست دارد که به زمرد می‌ماند و در آن نوشته ای سفید شبیه نور خورشید دیدم، پس به وی گفتم: پدر و مادرم فدایت شوند ای دخت رسول خدا، این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خدای عزوجل به پیامبرش هدیه داده و در آن نام پدرم، نام علی، نام دو پسر و اسامی اوصیاء از فرزندانم در آن نوشته شده و پدرم آن را به من داد تا خوشحالم کند. خدا را گواه می‌گیرم که نوشته آن لوح را به این شکل دیدم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این کتابی است از خدای عزیز علیم برای محمد، نور و سفیر و حجاب و راهنمای خلائق به سوی اوست که جبرئیل آن را از پروردگار جهانیان نازل کرده است.

ای محمّد، نام‌های مرا بزرگ بدار، نعمت‌هایم را
سپاس گو و منکر آیات من مشو که من خدایی
هستم که خدای دیگری جز من نیست، درهم
شکننده گردن کشان، خوار دارنده ستمکاران، مالک
و جزا دهنده روز قیامت؛ من خدایی هستم که جز
من خدایی نیست؛ هرکس امیدش جز به کرم من
باشد یا از غیر عدل من بترسد، چنان عذابی به وی
بچشانم که کسی را از جهانیان چنین عذاب نداده
باشم، پس تنها مرا پرستش کن و بر من توکل
داشته باش. من پیامبری را مبعوث نکرده‌ام مگر
این‌که چون عمرش به سر آمد، برای او وصی قرار
دادم، و من تو را بر دیگر پیامبران برتری دادم و
وصی تو را نیز بر دیگر اوصیا برتری دادم و پس از
وصی، تو را به دو نواده‌ات حسن و حسین کرامت
بخشیده و گرامی داشتم

پس حسن را پس از وفات پدرش کانِ علم خویش
قرار دادم و حسین را خازنِ وحی خود ساختم و به
شهادتش مفتخر نمودم و کمال سعادت را نصیب
وی کردم که او افضل شهدا و والا مقام‌ترین آنان
است و کلمه تائمه من با او و حجّت بالغه من نزد
اوست، به واسطه عترت او پاداش و کیفری دهم
که نخستینِ آنها علی، سرور عابدان و زینت
اولیای پیشین است و آن‌گاه پسرش که شبیه نیای
ستوده خویش است، محمّد که شکافنده علم من
است و معدن دانش من می‌باشد؛ آنان که (در
امامت) جعفر شک کنند هلاک خواهند شد، هر که
او را رد کند، گویی مرا رد کرده است، این قول حقّ
من است که جایگاه جعفر را گرامی بدارم و بی‌تردید
او را در میان پیروان، یاران و دوست دارانش شاد
خواهم ساخت و پس از وی فرزند بُرنایش موسی را
برگزیدم

و پس از آن، فتنه ای کور و تاریک برپا خواهد شد
(اما امامت همچنان استمرار خواهد یافت) زیرا
رشته وصیت من هرگز نخواهد گسست و حجت
من نهان نخواهد گشت و اولیای من هرگز دچار
مشقت و بدبختی نخواهند شد؛ هان، هشدار که
هرکس یکی از ایشان را منکر شود، چنان است که
نعمت مرا انکار کرده باشد و هرکس آیه‌ای از کتاب
مرا تغییر دهد، بر من افترا بسته است، و وای بر
افترا زندگان و منکران، آن‌گاه که عمر بنده و
محبوب و برگزیده‌ام موسی به پایان رسد؛ بی‌شک
کسی که هشتمین (امام) را تکذیب کند، همه
اولیای مرا تکذیب کرده است؛ و علی، ولی و یاور
من است، او کسی است که سنگینی بار نبوت را بر
دوش او می‌گذارم و وی را با درگیر شدن با آن
می‌آزمایم؛

او را دیوی خودخواه به قتل می‌رساند و در شهری که آن را عبدصالح من (ذو القرنین) بنا کرده، در کنار بدترین آفریده من دفن خواهد شد و بر من فرض است که دیدگان وی را به جانشینش محمّد روشن سازم که او وارث علم من است و کانِ حکمت من و امین اسرار و حجت من بر آفریدگان من است. جایگاه او را بهشت قرار دادم و شفاعت وی درباره هفتاد هزار تن از خویشاوندان وی که مستحقّ آتش بودند پذیرفتم و سعادت را درباره فرزندش علی که ولی و ناصر و شاهد در میان خلقم و امین من بر وحیام می‌باشد، و از نسل او دعوت کننده به راه من و خازن علمم حسن را بیرون می‌آورم، آن‌گاه از باب رحمت بر عالمیان، دودمان اوصیا را به وجود فرزندش کامل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب را در خود دارد.

در دوره او (دوره غیبت) اولیای من خوار خواهند شد و سرهای آنان را همچون سرهای مردمان ترک و دیلم، به یکدیگر هدیه می‌دهند؛ آنان کشته و سوزانده می‌شوند و در ترس و وحشت و هراس به سر خواهند برد و زمین از خون آنان رنگین گردد و نعره فریاد و شیون و زاری از زنانشان بلند گردد؛ آنان به راستی اولیای من هستند، به وسیله آنها هر فتنه کور و تاریکی را دفع می‌کنم و به واسطه آنان سختی‌های هولناک را برطرف می‌نمایم و بارهای گران و غل و زنجیر را از آنان بر می‌دارم؛ آنان کسانی هستند که از صلوات و رحمت پروردگارشان برخوردارند و هدایت یافتگان راستین آنان هستند.